پیشخوان

حاشیه‌ای بر انتشار یادنامه آیت‌الله حاج شیخ‌احمد مجتهدی تهرانی

حالات و مقامات «معلم اخلاق»

علی احمدی فراهانی

از چندین سال قبل که مطالعات و پژوهش‌های خود را پیرامون مکتب علوم دینی تهران آغاز نمودیم، چنین دانستیم که مدارس علمیه امروز تهران، به یک معنا وارث مکتب علمی فقها و حکمای گرانقدری است که از عهد فتحعلی شاه قاجار با حضور حکیمانی چون ملاعبدالله زنوزی و آقامحمدرضا قمشه‌ای و حکمای والامقام دیگر، درخششی ویژه یافت و در عهد ناصرالدین شاه با زعامت فقیهانی چون آیت‌الله ملاعلی کنی، آیت‌الله میرزامسیح مجتهد، و آیت‌الله حاج‌ملاجعفر چاله‌میدانی تهرانی و سایر فقهای گرانقدر، به اوج جایگاه خود رسید اما دیری نپایید که دارالحکومه تهران، در عرصه دین دچار استبداد مدرن‌نما و شیطانی پهلوی گردید و پادشاه طغیان‌گر آن، چارقد سیاه زنان متدّین و دستار سپید عالمان شهر را لگدمال چکمه‌های رضاخانی خویش ساخت. تدریس و تحصیل علوم دینی ممنوع و بسیاری از حوزه‌های علمیه به مدارس علوم جدید تغییر یافت. بسیاری از مساجد شهر نیز ویران و یا به انبار و اصطبل و آخور تبدیل شد. در اواخر حکومت پهلوی اول بود که آیت‌الله حاج‌شیخ‌علی‌اکبر برهان با حکم آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۱۸هـ‌ش از نجف به تهران بازگشت. او آمده بود که در مصاف با تهاجمات ضددینی رضاخان، رونقی دوباره به شعائر دینی ببخشد. آن‌گونه که شاهدان عینی نقل می‌کنند، وی اولین بار سوار بر اسب، به اطراف مزارع منطقه لرزاده تهران آمد و با همراهی برخی متدّینین، خشت‌های مساجدی را بر زمین نهاد که در سال‌های بعد به یکی از بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین مساجد و مدارس علمیه تهران در اوایل حکومت پهلوی دوم تبدیل شد.

آیت‌الله برهان در آن دوران سخت، با شیوه‌های تربیتی منحصر به‌فرد خویش، شروع به تربیت طلاب جوانی کرد که هر یک همچون چراغ هدایتی در دوران تاریک

آیت‌الله حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی

حکومت پهلوی، با تعلیم و تربیت نسلی متدّین و پرشور، زمینه‌ساز انقلابی عظیم در این مرز و بوم شدند. شاید بتوان آن دوره را «عصر احیای تعلیم و تربیت دینی» در تهران نامید چراکه در گوشه‌ای از شهر آیت‌الله برهان با راه‌اندازی مسجد و مدرسه‌ای کم‌نظیر به نام «لرزاده» و تأسیس چند باب مدرسه علوم جدید در مقاطع سنی گوناگون به تعلیم و تربیت دینی عموم مردم، به ویژه طلابی عالم، خودساخته، پرشور و انقلابی می‌پرداخت. در میانه بازار تهران نیز مرحوم شیخ محمدحسین زاهد در مسجد امین‌الدوله، به تعلیم و تربیت توده مردم، به ویژه بازاریان اشتغال داشت.

در سال‌های بعد، از میان این دو مکتب علمی و تربیتی، مکتبی در علوم دینی و تربیت عالمان دین‌پرور شکوفا شد، که پرچمدار و مربی والامقام آن، آیت‌الله حاج‌شیخ‌احمد مجتهدی تهرانی (قده)، خود را تربیت‌یافته اساتید گرانقدری چون آیت‌الله برهان و مرحوم شیخ محمدحسین زاهد می‌دانست و آنها که اندک آشنایی با سیره تربیتی این دو مربی فرزانه داشته باشند، تبلور سبک تربیتی و علمی ایشان را به نحوی رشدیافته‌تر، در مکتب تربیتی آیت‌الله مجتهدی به وضوح مشاهده می‌کنند. آیت‌الله مجتهدی با بهره‌گیری از شیوه ارزشمند اساتید توانمند خویش، مسجد و مدرسه‌ای را احیا کرد که چند دهه پیش از آن، توسط یکی از مجتهدین تراز اول تهران به نام آیت‌الله حاج‌ملاجعفر چاله‌میدانی تأسیس شده، اما تندباد حوادث عصر پهلوی، از آن مسجد نورانی، مزبله‌ای ناگوار ساخته بود. از این روی، شکل‌گیری حوزه علمیه آیت‌الله مجتهدی در همان سال‌های نخست را می‌توان میراث‌دار مکتب علمی فقیهان و حکیمان عصر گذشته، و احیاکننده مکتب علوم دینی تهران پس از دوران فترت پهلوی دانست.

کتابی که در معرفی آن سخن می‌رود، حاصل مطالعات گسترده کتابخانه‌ای، استفاده از اسناد دست اول و برجای مانده از خاندان آیت‌الله حاج‌ملاجعفر چاله‌میدانی تهرانی، پیاده‌سازی ده‌ها جلسه از بیانات ارزشمند مرحوم آیت‌الله مجتهدی برای به‌دست آوردن یک تاریخ شفاهی موثق، و مصاحبه‌های متعدد با شاگردان و ارادتمندان قدیمی آن استاد و مربی فرزانه است، در بخش اول به سابقه تاریخی این مدرسه مبارکه از دوران مرحوم حاج‌ملاجعفر و زندگانی آن عالم بزرگ پرداخته، و در بخش دوم، به شرح زندگانی عالم ربانی آیت‌الله حاج‌شیخ‌احمد مجتهدی از دوران کودکی تا پس از شکل‌گیری حوزه علمیه ایشان، و سیره تربیتی آن مربی کم‌نظیر می‌پردازد.

نصب تابلوی گروه خلع ید بر فراز ساختمان سابق شرکت نفت ایران و انگلیس

در آن روزها جنگی لفظی بین ایران و انگلیس در جریان بود و هر قدر به روزهای منتهی به شروع عملیات اجرایی خلع ید نزدیک می‌شد، گره‌های کوری بر ریسمان ارتباطات این دو کشور افزوده می‌شد آنچنان که یونایتد پرس از لندن گزارش داد که: «تقریباً در کلیه محافل دولتی انگلستان بار دیگر پس از جنگ بین‌المللی دوم اصطلاح ساعت صفر با نگرانی بسیار زیادی شایع شده است»

به بهانه سالروز رویداد تاریخی خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس

خودباوری ایرانیان در ملی کردن نفت

امیر مکی*

با نزدیک شدن به اواخر خرداد، یاد و خاطره عملیات خلع ید از شرکت استعماری نفت انگلیس به ذهن متبادر می‌شود، آنچنان که با از جان گذشتگی ملت همیشه غیور ایران زمین، توانستند قطع دستان پلید سیاست استعمار پیر را به ارمغان آورده و نمایندگان شایسته آنان در عرض سه ماه پس از ملی شدن صنعت نفت، شروع خلع ید را در دستور کار خود قرار داده و اجرا نمایند و سرانجام مزدوران خارجی فرار را بر قرار ترجیح و مناطق نفتخیز ایران را ترک کردند اما غافل از آنکه نفوذ خود را با ایادی داخلی و به اشکال مختلف حفظ نموده و در پی بقای مجدد خود تلاش مضاعفی را حاصل نمودند لذا در این مقال به اخبار سه ماهه اول سال ۱۳۳۰ پرداخته شده تا شاید بازگویی اتفاقات آن روزگار در شفاف‌سازی و ماندگاری حرکت مثال‌زدنی ملت بزرگ ایران تأثیرات مثبتی از خود برای نسل جوان به یادگار بگذارد تا ایشان نیز در صدد تکمیل و جبران نقصان کمبودهای تلاش آن روزگار برآیند، ان‌شاءالله.

نوروز ۱۳۳۰ با حال و هوایی متفاوت

به ظهر روز ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹ برگردیم که پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در مجلسین شورای ملی و سنا از طرف دولت وقت، نوروز آن سال حال و روز دگری داشت و در پی آن اجرای قانون ۹ ماده‌ای خلع ید اعلام، تصویب و در شرف انجام ابلاغ شد.

پس از اعلام اجرای قانون خلع ید، کارشکنی‌های دولت‌های انگلیس و امریکا در فرآوری تولید نفت ایران به وخامت اوضاع در استان خوزستان به خصوص در آبادان، اهواز و بندر مشعور (بندر ماهشهر) منجر شد که در پاسخ به حرکت قاطع ملت ایران سه رزم‌ناو انگلیسی در دهانه خلیج فارس لنگر انداخته و تهدیدات نظامی خود را به منصه ظهور رساندند تا شاید سیل هجوم دادخواهی ملت ایران را سد و در مقابل، مقاومت و تهدید نمایند، اما غافل از آنکه با اعتصابِ ۲۷ هزار نفری کارگران نفت آبادان مواجه شده و عملاً تولید و فرآوری محصول شرکت نفت انگلیس متوقف شد و آبادان بسان یک بمب ساعتی شمارش معکوس را آغاز کرد.

اعتصاب کارگران پالایشگاه و همچنین درگیری‌های پیش آمده به کشته و زخمی شدن تعدادی از کارگران نفتی آبادان منجر شد که در پی آن اعزام حدود ۳۰ واگن سرباز انگلیسی از عراق به خرمشهر توسط دولت انگلیس نیز انجام گرفت که به‌طور کامل امنیت منطقه نفتی را در دست گیرند و با ایجاد رعب و وحشت، آتش اعتراض کارگران را مهار نموده تا شاید آبی بر شعله افروخته فائق آید. چنانچه رئیس کل شرکت نفت نیز، پیامی را به مضمون ذیل منتشر ساخت که بیان آن خالی از لطف نمی‌باشد تا هرچه بیشتر به ماهیت پلید دولت‌های استعماری پی برده و شناخت متقنی حاصل آید.

«با این پیام کوتاه عمیق‌ترین همدردی و تأسف هیئت مدیره شرکت نفت و هیئت رئیسه آن را در ایران به منسوبین کسانی که جان خود را در اغتشاش اخیر در آبادان و بندر مشعور از دست داده‌اند ابلاغ می‌نماید، کلیه کارکنان شرکت نفت و خانواده آنها در چند روز اخیر دچار فشار روحی زیادی بوده‌اند و این فشار روحی تا هنگامی که نظم و آرامش کاملاً برقرار نشده ممکن است ادامه یابد. در عین حال می‌خواهم این روش پسندیده یکایک شما را در هر جای خوزستان که هستید از صمیم قلب بستایم، هیئت رئیسه شرکت این حسن انضباط را حس می‌کند و دائماً به نمایندگی همه با مقامات صالحه برای اعاده نظم مذاکره می‌نماید تا از خونریزی بیشتر جلوگیری شود. خواهشمندم سعی کنید آرامش را همان‌طور که در چند هفته گذشته حفظ نمودید باز حفظ کنید و مطمئن باشید برای تأمین رفاه شما از آنچه در حیطه امکان باشد فروگذاری نخواهد شد.»

واکنش جهانی به فعل و انفعالات آبادان

اما پس از نشر اخبار اعتصاب آبادان در سطح بین‌المللی و عدم صدور نفت خام و تصفیه شده از بندر آبادان به بازارهای جهانی، تأثیر بسیار شدیدی به بورس لندن و نیویورک وارد ساخت اما به منظور همگرایی و کاهش تنش در فضای پیش آمده علی سهیلی سفیر کبیر ایران در لندن را مجبور ساخت تا به‌منظور همگرایی با دولت انگلیس پیامی را اعلام نماید، بدین مضمون که: «اعتصاب آبادان فقط ناشی از احساسات عمومی ایران است که در پی آن انگلستان پایگاه‌های دفاعی خود را در خاورمیانه تقویت می‌نماید.»

همچنین در اواخر فروردین ۱۳۳۰ در سرمقاله دوم نیویورک تایمز، ملت ایران را با عنوان «مهمان‌کش» قلمداد کرده که در عمل، ایران‌هراسی را در جامعه جهانی در دستور کار خود قرار داده و طرح از پیش تعیین شده‌ای را منتشر ساختند و نیز به موازات آن و بر اساس آمار رسمی اعلام شده در اعتصاب و درگیری میان کارگران نفت آبادان و عوامل انگلیسی شرکت، کشته‌شدگان ایرانی را شش نفر و اتباع انگلیسی را سه نفر اعلام کردند که جرقه‌ای بسیار سنگین بر خرمن انبار شده دولت انگلیس و شرکت نفت حادث گردید.

اما در این بین دولت ایران با فشار حداکثری دولت‌های استعماری کنش و واکنش سنگینی را متحمل شد تا جایی که در پی حوادث مذکور و تهدیدات دولت انگلیس، علاء نخست‌وزیر وقت در صدد اعلام طرحی محافظه‌کارانه برآمد و بیانیه‌ای صادر کرد تا شاید مرهمی بر درد دولت انگلستان شود: «من می‌توانم در این باب به مستر هربرت موریسن وزیر امور خارجه انگلیس اطمینان دهم که برخلاف تصور ایشان حوادث جنوب به هیچ وجه روابط حسنه و محیط دوستی موجود فیمابین دولتین ایران و انگلیس را تغییر نداده و ما کوشش می‌کنیم که محیط اطمینان‌بخش‌تری به وجود آید اما انگلیسی‌ها نیز باید به اراده ملت ایران مبنی بر استرداد منابع نفت خویش احترام گذارند».

همچنین بنا به تصمیمات اتخاذ شده به منظور مذاکرات مورد نظر با دو دولت انگلیس و امریکا آقای گس نماینده شرکت نفت در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۲۹ با اعلام قبلی عازم واشنگتن شد تا راه حل مناسب و رضایت‌بخشی برای حل اختلافات موجود با دولت ایران حاصل گردد. نکته حائز اهمیت حضور پنهان و پوششی امریکا در اختلافات فیمابین ایران و انگلیس آنچنان مشخص شد که حدود دو روز پس از اعزام گس به واشنگتن روزنامه نیویورک‌تایمز تحلیل و تصمیمی را این چنین اعلام نمود که: «بر اثر پیشامدهای اخیر و اختلافات دولتین ایران و انگلیس بر سر قضیه ملی شدن نفت ایران چندین کمپانی معروف نفت امریکایی به دولت ایران اطلاع داده‌اند که چنانچه نفت ایران ملی اعلام شود حاضرند با شرایط مناسب بهره‌برداری نفت آن مناطق را عهده‌دار شوند».

و در این کش و قوس سیاسی و اعلام نظر دولت انگلیس در خصوص عدم ادامه کار علاء به عنوان نخست‌وزیر استعفای خود را از دولت اعلام کرد تا شاید اجرای مراحل ملی شدن و خلع ید از کمپانی نفت انگلیس با مشکلاتی روبه‌رو گردد که در ادامه و در اقدامی جالب توجه در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی با ۷۹ رأی مثبت از ۱۰۰ رأی مأخوذه دکتر محمد مصدق را به نخست‌وزیری انتخاب کرد که این گزینش باعث پیشرفت چشمگیری در اجرای مراحل خلع ید حاصل نمود.

استقرار دولت نهضت ملی و تشدید بیم انگلستان

اما پس از انتخاب دکتر مصدق به عنوان نخست‌وزیر، دولت انگلیس در برابر عمل انجام شده‌ای قرار گرفت که به ناچار و به‌طور رسمی به دولت ایران اعتراضات خود را اعلام و شکوائیه‌ای تنظیم نمود و حتی عنوان کرد که اولیای وزارت خارجه انگلیس معتقدند که علاء نخست‌وزیر سابق ایران چون نمی‌خواست زیر بار تهدیدات و فشار دولت انگلستان باشد به‌ناچار استعفا کرد و اکنون بنا به تصمیم اخیر مجلس و تعیین نخست‌وزیر جدید احتمال بروز اغتشاشات بیشتری در منطقه آبادان بروز می‌نماید و مؤکداً تأکید کرد که دولت انگلیس دو ناو توپدار به بندر آبادان می‌فرستد و نیروهای انگلیسی در جزیره بحرین و بندر شعیبیه تقویت می‌شوند و حتی اعلام کردند دولت انگلیس به عنوان سهامدار بزرگ شرکت نفت انگلیس و ایران با ملی شدن صنایع نفت ایران مخالف نیست ولی با هرگونه مصادره و خلع ید غیرقانونی تأسیسات شرکت نفت از طرف دولت ایران جداً مخالف می‌باشد و در نتیجه در پی موارد مصوب صورت گرفته حاصل از جلسه سه ساعته فوق‌العاده هیئت وزیران انگلیس در روز دهم اردیبهشت ۱۳۳۰ مبنی بر خلع ید از شرکت نفت، آن عمل را غیرقانونی و ناصواب خواندند و چرچیل نیز اصرار تمام بر اشغال آبادان توسط نیروهای نظامی انگلستان را از خود ابراز داشت چنانچه بر اساس دکترین چرچیل رزم‌ناو ۸هزار تنی انگلیسی به نام «گامبیا» وارد بندر بحرین شد و عامل تنش‌زایی دیگر در منطقه شد.

اما در ایران حال و هوای آن روزگار خاص بود و به دور از مسائل مطروحه دولت وقت بنا به تصمیم مصوب مجلسین ملی و سنا در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۲۳ جهت انجام خلع ید اعضای هیئت مختلط را انتخاب و شرح وظایف نمود: نمایندگان مجلس سنا آقایان بیات، دکتر متین دفتر، نجم، سروری و دکتر شفق. نمایندگان مجلس شورای ملی آقایان اللهیار صالح، دکتر معظمی، دکتر شایگان، حسین مکی، ناصرقلی اردلان. وزیر دارایی و قائم‌مقام وزارت دارایی را جهت اجرای خلع ید انتخاب و دستور کار نمودند. پس از انتخاب اعضای مختلط و تنش حاصل در اوضاع داخلی به خصوص مناطق نفتی، امریکا و انگلیس توأماً در تصمیمی مشترک برای تشکیل اتحادیه‌ای به‌نام مدیترانه و خاورمیانه از خود شتاب بی‌سابقه‌ای گرفت و منظور را بر آن داشتند تا یک اتحادیه تدافعی خاص به نام اتحادیه مدیترانه نظیر اتحادیه آتلانتیک شمالی تشکیل گردد که همه دولت‌های خاورمیانه من‌جمله ترکیه نیز در آن حضور و شرکت مؤثر داشته باشند. چنانچه روزنامه فایننشیال تایمز در آن روز می‌نویسد: «اگر دولت ایران، نفت آن کشور را ملی کرد دیگر کلیه امیدواری‌ها برای احیای وضع اقتصادی ایران به یأس مبدل شده و مسلماً دولت ایران مجبور خواهد بود علاوه بر اینکه تجارت خود با سایر کشورهای بیگانه را قطع نماید کلیه نقشه‌های عمرانی و آبادانی خود را نیز بلااجرا می‌گذارد و سرانجام اقدام دولت ایران برای ملی کردن صنعت نفت و خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران به مثابه قطع شریان حیاتی کشور ایران می‌باشد که مسلماً عواقب بسیار ناگواری برایش خواهد داشت».

دیلی تلگراف نیز با تیتر «تصمیم خطرناک» می‌نویسد: «اقدام دولت ایران برای ملی کردن نفت و خلع ید از شرکت نفت علاوه بر اینکه خطر اقتصادی دارد از نظر سیاسی هم تصمیم بسیار نامطلوبی است چون قبل از هر چیز روابط دوستانه دو کشور انگلستان و ایران را تیره می‌کند و ایران را در مقابل تجاوزات کمونیستی بلادفاع خواهد کرد».

ایران در روزهای شور و التهاب اخراج انگلستان

اما شنیدن اخبار داخلی ایران در آن روزها هم با وجود تهدیدات دولت‌های غربی و استعماری بسیار شنیدنی و خواندنی است. با اعلام قبلی یکی از عظیم‌ترین میتینگ‌های آن دوران در روز دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ در میدان بهارستان نماد وحدت و یکپارچگی را به همراه داشت آنچنان که در این میتینگ جمعیت فوق‌العاده کثیری حدود ۱۰۰ هزار نفر شرکت داشتند و برای ابراز تنفر و اظهار انزجار خود نسبت به مداخلات بیگانگان در امور ایران برگزار و نفراتی از طبقات مختلف روحانیون، اصناف و بعضی از نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا حضور پررنگی داشتند که برنامه آن اجتماع بزرگ را نیز با پیام آیت‌الله کاشانی آغاز و در ادامه با سخنرانی‌های آقای علی حاجیان به نمایندگی از کمیته جوانان بازرگان، آقای علیقلی بیانی از طرف حزب ایران، آقای حسین مکی نماینده مجلس شورای ملی، آقای دکتر مظفر بقایی نماینده مجلس شورای ملی و از طرف حزب زحمتکشان، آقای سیدشمس‌الدین قنات‌آبادی رهبر جمعیت مجاهدین اسلام و در پایان آقای دکتر شروین متن قطعنامه را بیان نمود و مورد تصویب حضار قرار گرفت.

اما در واکنش به برگزاری اجتماعات و اعتراض احزاب و گروه‌های داخل ایران به نقشه شوم استعماری، هیئت وزیران انگلستان اعلام نمود انگلستان بدون مشورت با دولت امریکا در ایران اقدامی نخواهد کرد و با برنامه‌ای دقیق و مدون کوشیدند تا افکار عمومی جهان را نسبت به ایران بدبین و فضای ایران‌هراسی را بیش از پیش گسترش دهند. مسلماً در چنین فضایی واکنش دست‌اندرکاران و نمایندگان مجلسین به وضوح دیده می‌شد آنچنان که دکتر مظفر بقایی در مصاحبه‌ای جالب با خبرنگار اینترنشنال نیوز سرویس اعلام داشت: در صورت دخالت نظامی انگلیس در کشورمان کلیه مؤسسات و تأسیسات نفت آبادان را به آتش می‌کشیم و حتی خواندنی‌تر از آن اینکه ملک عبدالله پادشاه کشور اردن در مصاحبه‌ای در آن تاریخ که در کشور ترکیه بود و کمی قبل از مراجعت به کشور خود به عمل آورد، اظهار داشت که: «ایران حصار و سنگر خاورمیانه است. مسلماً اگر این حصار ویران شود سراسر خاورمیانه دچار خطر کمونیسم خواهد شد. به عقیده من به این زودی‌ها جنگ جهانی سوم شروع نمی‌شود ولی در عین حال هم نباید فراموش کرد که ایران فعلاً وضعیت بسیار حساسی دارد که با امنیت و اوضاع عمومی ممالک دیگر خاورمیانه و خاور نزدیک بسیار مرتبط است و این ارتباط را نمی‌توان نادیده گرفت. تنها چیزی که می‌تواند این خطر را از ایران و سایر کشورهای اسلامی مرتفع نماید، خدمت حقیقی و همکاری کامل و مؤثر ملل اسلامی است که اگر دست به دست هم دهند و مصالح یک کشور را مصالح جمعی بدانند می‌توان امید داشت خطری که در کمین است مرتفع و به طور کامل نابود گردد».

خلع ید از ۲۹ اسفند آغاز شد!

در یازدهم خرداد ۱۳۳۰ حسین مکی در مقابل سؤال خبرنگار اینترنشنال نیوز سرویس در پاسخ به اینکه از چه موقع خلع ید شروع خواهد شد؟ با قاطعیت هرچه تمام‌تر اعلام داشت: «به عقیده من از ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ یعنی روزی که قانون ملی شدن صنعت نفت از مجلسین گذشت خلع ید نیز شروع شده و از آن تاریخ تاکنون شرکت نفت تنها امانتدار ماست و در صورت بروز و ایجاد خللی در امور شرکت، ما قطعاً آن را خیانت در امانت تلقی کرده و مطابق قوانین شرکت را تعقیب خواهیم کرد.»

لفاظی دوگانه‌ای بین ایران و انگلیس در جریان بود و هر قدر به روزهای منتهی شروع عملیات اجرایی خلع ید نزدیک می‌شدیم گره‌های کوری بر ریسمان ارتباطات دیده می‌شد آنچنان که یونایتد پرس از لندن گزارش داد که: «تقریباً در کلیه محافل دولتی انگلستان بار دیگر پس از جنگ بین‌المللی دوم اصطلاح «ساعت صفر» با نگرانی بسیار زیادی شایع شده است».

آنچنان که در سال‌های جنگ جهانی دوم و هنگامی که تصمیم مهمی اتخاذ می‌شد، لکن وقت معینی برای اجرای آن تعیین نمی‌گردید دوایر و محافل نظامی، اجرای آن اقدام را به ساعت صفر یا Zero hour موکول می‌کردند و به وضوح هر لحظه را ساعت صفر می‌دیدند و آن روز نیز موضوع خلع ید از شرکت نفت و عزیمت هیئت مختلط نفت ایران به آبادان را نیز تنها در ساعت صفر امکان‌پذیر دانسته و تشبیه نموده و اجرای آن را در هر لحظه ممکن و عملی می‌دیدند اما نفس‌ها در سینه حبس و سرانجام هیئت‌های مدیره موقت و نظارت خلع ید که تا آن تاریخ منتظر اقدامات و دستورات صادره از طرف دولت بودند طبق دستور اعلام شده از روز ۱۳۳۰/۳/۳۰ خلع ید را آغاز و به یمن و مبارکی اعلامیه‌ای از طرف هیئت مدیره موقت و فرماندار نظامی آبادان به شرح ذیل ابلاغ و اعلام گردید و پرچم مقدس ایران به اهتزاز درآمد و تابلوی شرکت ملی نفت ایران بر ساختمان اداری خرمشهر و آبادان نصب گردید و خواب آشفته نفت تا حدودی آرام گرفت. اعلامیه هفت ماده‌ای هیئت مدیره موقت از این قرار بود:

۱-از کارمندان و کارگران انتظار دارد وعده‌های خدمتگزاری و وفاداری مکرر خود را عملاً به ثبوت رسانند و با منتهای کوشش و مراقبت و دلسوزی و انضباط، وظایف سابق خود و وظایفی را که احیاناً در پست‌های مجاور بلامتصدی مانده باشد را انجام دهند.

۲- کلیه کارمندان و کارگران اعم از ایرانی و خارجی که صمیمانه حاضر باشند زیر نظر هیئت مدیره ایرانی وظایف خود را انجام دهند مستخدم دولت ایران و همکار ارجمند ما محسوب شده و می‌توانند مطمئن باشند در صورت خدمت صادقانه در حقوق و مزایا و حیثیات آنها کوچک‌ترین خللی وارد نخواهد شد.

۳-کارمندان و کارگران خارجی که در پست‌های خود باقی بمانند و صادقانه خدمت کنند مورد احترام و محبت ایرانیان قرار خواهند گرفت و لازم است کارمندان و کارگران ایرانی آنها را همکار صمیمی خود و مستخدم دولت ایران شناخته و از مهربانی و مهمان‌نوازی چیزی فروگذار ننمایند.

۴- نسبت به کارگران و کارمندان خارجی که مایل باشند ایران را ترک کنند هیچ‌گونه ایذا و آزاری به عمل نیامده و با حسن مشایعت وسایل عزیمت و تسویه حسابشان به‌عمل خواهد آمد.

۵- کارمندان و کارگران ایرانی نیز لازم است در این موقع تحت لوای واحد و برای هدف ملی مشترکی خدمت نمایند و سوابق سوءاعتماد و کدورت و نقار را به کلی کنار گذارده و قلم عفو بر گذشته بکشند و برای آینده درخشان میهن عزیز دست برادری و صمیمیت به یکدیگر بدهند.

۶- نظر به اینکه حفظ نظم و آرامش در این موقع باریک نهایت ضرورت دارد از کلیه اهالی محترم و کارگران عزیز توقع داریم شخصاً در حفظ آرامش و نظم ساعی بوده و در موقع لزوم با مأمورین انتظامی نهایت همکاری را بنمایند.

۷- چنانچه احیاناً افراد و اشخاصی بخواهند جریان امور و حسن انضباط را مختل سازند با عکس‌العمل شدید هیئت مدیره مواجه خواهند شد و به مأمورین انتظامی در این باره دستورهای لازم داده شده است.

در یازدهم خرداد ۱۳۳۰ حسین مکی در مقابل سؤال خبرنگار اینترنشنال نیوز سرویس در پاسخ به اینکه از چه موقع خلع ید شروع خواهد شد؟ با قاطعیت هرچه تمام‌تر اعلام داشت: «به عقیده من از ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ یعنی روزی که قانون ملی شدن صنعت نفت از مجلسین گذشت خلع ید نیز شروع شده و از آن تاریخ تاکنون شرکت نفت تنها امانتدار ماست و در صورت بروز و ایجاد خللی در امور شرکت، ما قطعاً آن را خیانت در امانت تلقی خواهیم کرد.»

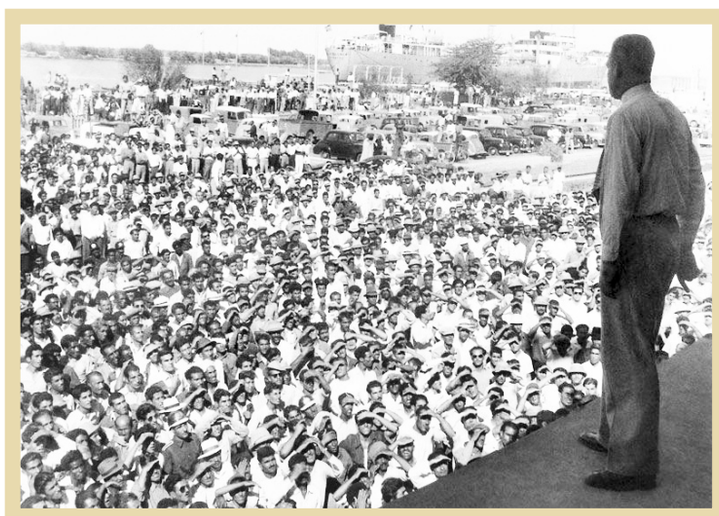

حسین مکی در حال سخنرانی برای جمعی از کارکنان شرکت نفت در آبادان

***برادرزاده حسین مکی چهره نامدار نهضت ملی ایران و گروه خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس**